نجات گروگان ۱۱ساله توسط پلیس

فرمانده انتظامی دزفول از آزادی گروگان ۱۱ساله‌ای که آدم‌ربایان برای آزادی‌اش ۵۰۰سکه خواسته بودند خبر داد. سرهنگ روح‌الله یاری‌زاده گفت: به‌دنبال ربوده شدن نوجوان ۱۱ساله در دزفول، کارآگاهان موفق شدند در کمتر از ۴۸ساعت با دستگیری ۴نفر از مرتبطین پرونده، فرد ربوده شده را آزادکنند و به خانواده‌اش تحویل دهند.

دزد خانه‌های شهرری دستگیر شد

فرمانده انتظامی شهرستان ری از دستگیری سارق حرفه‌ای و سابقه‌دار منزل در محدوده شهرری خبر داد. سرهنگ محمد قاسم طرهانی گفت: این سارق ۳۰ساله که با شناسایی خانه‌هایی که صاحبخانه در آن حضور نداشته دست به سرقت از آنجا می‌زد، تاکنون به سرقت از ۴خانه اعتراف کرده است.

آن سوی مرز

افشای راز قتل دختر بچه‌ای بعد از ۳۵سال

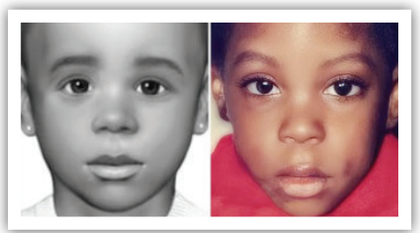

سال‌ها تحقیقات پلیس جورجیا در آمریکا برای دستگیری قاتل دختربچه ۵ساله که جسدش در بتن محصور شده بود، به دستگیری مادرش و نامزد او منجر شد.

به گزارش همشهری به نقل از آسوشیتدپرس، ۳۵سال پیش در ۲۱دسامبر سال ۱۹۸۸، مردی در جنگل‌های روستایی در جنوب شرقی جورجیای آمریکا جسد دختربچه ۵ساله‌ای را در میان یک تکه بتنی و سایر زباله‌های رها شده، پیدا کرد. کشف این جسد پلیس را با معمای عجیبی روبه‌رو ساخت. کارآگاهان بخش جنایی پلیس جورجیا، به محل اعزام شدند و تحقیقات‌شان را آغاز کردند. پلیس همه گزارش‌های محلی درباره گم شدن کودکان را بررسی کرد، اما هیچ‌کدام با بقایای جسد دختری که لای بتن پیدا شده بود مطابقت نداشت. آژانس‌های خدمات اجتماعی هم نتوانستند سرنخی پیدا کنند. آنها پرونده‌های افراد ناپدید شده را در سراسر جورجیا و آمریکا بررسی کردند اما به جایی نرسیدند. پلیس که در این مرحله از تحقیقات به سرنخی دست نیافته بود، به بررسی دوباره محل کشف پیدا شدن جسد پرداخت. در آنجا یک روزنامه آلبانی زبان پیدا شد که تنها سرنخ این پرونده محسوب می‌شد. این سرنخ باعث شد که مأموران مطمئن شوند که این مقتول اهل آلبانی بوده است اما این سرنخ هم باعث نشد تا پلیس بتواند هویت دختر را مشخص کند و یا سرنخی از قاتل یا قاتلان این کودک بیابد. مأموران پلیس نام جینی را برای این جسد بی‌هویت انتخاب کردند و این پرونده راکد مانده بود تا اینکه مدتی قبل پلیس با استفاده از آزمایش‌های دی‌ان‌ای توانست هویت واقعی جینی را مشخص کند. دختر ۵ساله کنیاتا اودوم نام داشت. پلیس جورجیا تلاش‌هایی را برای مقایسه دی‌ان‌ای به‌دست آمده از بقایای این دختر با پایگاه‌های اطلاعاتی آغاز کردند و درنهایت موفق شدند هویت او را شناسایی کنند. ماه دسامبر سال گذشته پلیس جورجیا برای به‌دست آوردن هرگونه اطلاعاتی که ممکن است به این پرونده کمک کند، فراخوان داد و با انتشار نام مقتول از مردم برای پیدا کردن خانواده او کمک خواست. در ژانویه همان سال زنی با پلیس جورجیا تماس گرفت و گفت که اطلاعاتی درباره مادر این کودک دارد. اطلاعات این زن نشان می‌داد که عاملان قتل دختربچه ۵ساله احتمالا مادر و ناپدری وی بوده‌اند که پس از جنایت، روی جسد او بتن ریخته و آن را در جنگل رها کرده بودند. با این اطلاعات مأموران موفق به شناسایی مادر مقتول و شوهر او شدند و این زوج به اتهام قتل دختربچه ۵ساله دستگیر شدند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

رویداد

۳قربانی در انفجار گاز شهری

نشت و انفجار گاز خانه‌ای را ویران کرد و جان ۳نفر از ساکنان آنجا را گرفت. به‌گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۱۱ دیروز (سه‌شنبه) در خیابان درمانگاه زنجان اتفاق افتاد و به‌دنبال آن گروه‌های امداد و نجات راهی محل حادثه شدند. آنجا خانه‌ای بود که بر اثر انفجار به تلی از خاک تبدیل شده و معلوم نبود بر سر ساکنانش چه آمده است. آنطور که همسایه‌ها می‌گفتند هنگام وقوع حادثه ۳نفر شامل ۲زن و یک مرد در آنجا بودند اما معلوم نبود بر اثر انفجار چه بر سرشان آمده است. در این شرایط بود که امدادگران عملیات آوار‌برداری را آغاز کردند و دقایقی بعد موفق شدند پیکرهای بی‌جان ۲زن را از زیر آوار بیرون بکشند. عملیات جست‌وجو ادامه یافت تا اینکه در ادامه پیکر مردی که زیر آوار جانش را از دست داده بود نیز کشف و بیرون کشیده شد.

مجید امیرفضلی، رئیس آتش‌نشانی زنجان درباره آنچه در این حادثه اتفاق افتاده بود، گفت: این انفجار خانه را به‌طور کامل تخریب کرده و موجب وارد شدن خسارت به ساختمان‌های مجاور شده بود. در جریان عملیات آوار‌برداری که چند ساعت طول کشید همکارانم موفق شدند با همکاری امدادگران هلال‌احمر پیکرهای ۳قربانی حادثه را از زیر آوار بیرون بکشند. او درباره علت وقوع انفجار نیز گفت: این انفجار بر اثر نشت گاز شهری اتفاق افتاد و بررسی‌های فنی در این‌باره ادامه دارد.

سارق سریالی موتورسیکلت‌ها، دست به جنایت زد

خالکوبی پروانه، قاتل را به دام انداخت

گزارش

الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

جوان موتورسوار که در درگیری، فردی را با ضربه چاقو به قتل رسانده بود، خبر نداشت طرح پروانه‌ای که روی گردنش خالکوبی شده بود، اسرار او را فاش خواهد کرد.

به‌گزارش همشهری، بامداد پنجم آبان‌ماه امسال به قاضی موسی رضازاده، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که مردی در یک درگیری با ضربه چاقو به قتل رسیده است. وی از سوی ۲ موتورسوار مورد حمله قرار گرفته که یکی از آنها با چاقو ضربه‌ای به او زده و جانش را گرفته بود.

به‌گفته شاهدان زنی جوان نیز همراه مقتول بوده که پس از حمله مرگبار موتورسواران، گریخته بود. در ادامه تحقیقات هویت این زن به‌دست آمد و او دستگیر شد.

وی پس از انتقال به دادسرای جنایی تهران گفت: با مقتول چندماه قبل آشنا شدم و به هم علاقه‌داشتیم اما او به تازگی نسبت به من دچار سوءظن شده بود، چراکه من برای خرید موادمخدر نزد جوانی به نام سهیل می‌رفتم و او تصور می‌کرد که با سهیل دوست شده‌ام و به او خیانت می‌کنم. وی ادامه داد: روز حادثه با مقتول قرار گذاشتم تا بر سر این موضوع با هم صحبت کنیم اما وقتی آنجا بودیم، ۲ جوان موتورسوار که صورت‌شان را پوشانده بودند به سمت ما حمله کردند. آنها از من خواستند که آنجا را ترک کنم و بعد با چاقو به سمت مرد مورد علاقه‌ام هجوم بردند و من از ترسم آنجا را ترک کردم.

با اظهارات این زن، این احتمال مطرح شد که سهیل که به زن جوان علاقه‌مند شده بود، برای حذف رقیب عشقی خود آدمکش اجیر کرده است، اما وقتی مأموران به سراغ این مرد رفتند و او را دستگیر کردند، وی منکر جنایت شد. درنهایت نیز معلوم شد که وی بی‌گناه است و آزاد شد.

قاتل در زندان

در شاخه بعدی، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت، به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت پرداختند. باتوجه به اینکه در زمان درگیری مرگبار هوا تاریک بود و ضاربان نقاب به‌صورت داشتند، تصویر واضحی از آنها به‌دست نیامد اما یکی از آنها برای لحظه‌ای زیر نور چراغ برق قرار گرفته و خالکوبی طرح پروانه روی گردنش در دوربین ثبت شده بود.

همین خالکوبی موجب شناسایی عامل جنایت و همدستش شد؛ چراکه وقتی زن موردعلاقه مقتول (شاهد جنایت) طرح خالکوبی را دید، ضارب را شناخت. او گفت: قاتل اسمش اصغر است و در محله ما زندگی می‌کند. او از اراذل و اوباش منطقه است و بارها به‌خاطر زورگیری و سرقت بازداشت شده است. او مدت‌هاست که روی گردنش، طرح پروانه خالکوبی شده است و آنطور که من از بچه‌های محل شنیده‌ام همچنان به خفت‌گیری‌هایش ادامه می‌دهد. با اطلاعاتی که این زن در اختیار تیم جنایی قرار داد، دستور بازداشت اصغر صادر اما معلوم شد که وی چند روز قبل به اتهام سرقت بازداشت شده و در زندان به سر می‌برد. در این شرایط اصغر از زندان به دادسرای جنایی تهران منتقل شد و زمانی که پیش روی بازپرس شعبه یازدهم قرار گرفت، تازه فهمید که مرتکب قتل شده است. متهم به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت و تحقیقات برای دستگیری همدستش ادامه دارد.

گفت و گو

خالکوبی به عشق رضا پروانه

اصغر ۲۶ساله است و با وجود سن کمش بیش از ۱۲بار به جرم سرقت، زورگیری و حمل موادمخدر دستگیر و روانه زندان شده است. او مدعی است که تا قبل از دستگیری‌اش خبر نداشته که دست به جنایت زده است.

انگیزه‌ات از قتل چه بود؟

اصلا نمی‌توانم این اتهام را باور کنم. من در زندگی به جز سرقت و خفت‌گیری خلاف دیگری مرتکب نشده‌ام. زبانم نمی‌چرخد بگویم قاتلم. باور کنید نمی‌خواستم جان آدمی را بگیرم. درست است که خلافکار هستم اما فکرش را نمی‌کردم که تبدیل به قاتل شوم.

چطور فهمیدی که اتهامت قتل است؟

بعد از آن درگیری با خودم گفتم طرف یک ضربه چاقو خورده و نهایتا یک هفته در بیمارستان بستری و بعد مرخص می‌شود. یک درصد هم فکر نمی‌کردم بدشانسی بیاورم و او جانش را از دست بدهد. من بارها با افراد مختلف درگیر شده‌ام اما هیچ وقت ضربه‌هایم کشنده نبوده است. وقتی در زندان بودم و سراغم آمدند و گفتند که قتل کرده‌ام، شوکه شدم.

برگردیم به روز حادثه؛ چه شد که با چاقو به سمت مقتول حمله کردید؟

آن روز من و دوستم در حال عبور از خیابان بودیم که چشممان افتاد به مقتول و زن جوانی که با او بود. با هم جروبحث‌شان شده بود و کمی بعد زن جوان به حالت قهر از مقتول فاصله گرفت. چهره مقتول را که دیدم، با خودم گفتم که شاید موتور زیر پایش سرقتی است. با این تصور به سمتش رفتم تا با تهدید چاقو موتورش را از چنگش دربیاورم که این اتفاق افتاد.

موتور سرقتی به چه درد تو می‌خورد؟

من سارق سابقه‌دارم و تخصصم سرقت موتور است. فکر می‌کردم مقتول هم صنف من است و موتور را از او می‌گیرم و خودم با بالاترین قیمت می‌فروشم. درواقع فکر می‌کردم قرار است شاه‌دزد شوم اما حقیقت چیز دیگری بود.

حقیقت چه بود؟

مقتول گفت موتور سرقتی نیست و برای خودش است. همین موضوع موجب شد تا با هم درگیر شویم. من هم با چاقو ضربه‌ای به مقتول زدم و به همراه همدستم فرار کردم اما همین یک ضربه به قیمت جان عزیز او تمام‌شده است.

کی دستگیر شدی؟

۲ روز بعد از قتل، موتوری را سرقت کردم و در خیابان سوار بر موتور سرقتی پرسه می‌زدم که پلیس به من مشکوک شد و دستگیرم کرد. بعد متوجه شدم خالکوبی طرح پروانه باعث دستگیری‌ام شده است.

چرا طرح پروانه تتو زدی؟

چند وقت قبل سریال پوست شیر را تماشا می‌کردم و از یکی از شخصیت‌های آن خوشم آمد. اسمش رضا پروانه بود. بعد از آن رفتم طرح پروانه را روی گردنم خالکوبی کردم که همین موضوع باعث شد لو بروم.

پسری که دوستش را به قتل رسانده، از تلخ‌ترین روزهای زندگی‌اش می‌گوید

۳سال زندگی با عذاب وجدان

شب یلدا بود و پسر جوان قصد داشت به خانه مادربزرگش برود که پسر همسایه را در حال درگیری با پدرش دید. او خواست میانجیگری کند اما پسر همسایه با او هم درگیر شد و در این درگیری بود که وی پسر همسایه را به قتل رساند. حالا ۳سال از آن شب گذشته و پسر جوان ۲مرتبه تا یک قدمی چوبه دار رفته اما هر بار به طرز شگفت‌انگیزی نجات یافته و با سرنوشت نامعلومی روبه‌رو شده است. او در گفت‌وگویی اختصاصی با همشهری در زندان بندرعباس، جزئیات پرونده را بازگو کرده است.

چند سال داری و چطور مرتکب قتل شدی؟

۲۳سال دارم و اهل بشاگرد هستم. از ۳سال قبل، زمانی که ۲۰سال داشتم به اتهام قتل پسر همسایه‌مان که دوستم بود، دستگیر شدم. من ناخواسته مرتکب قتل شدم.

درباره این درگیری صحبت کن.

درگیری شب یلدای سال ۹۹ اتفاق افتاد. خانه ما در محله چهارراه قدس بندرعباس است و مقتول هم همسایه قدیمی‌مان بود. آن شب مقتول حال خوبی نداشت و عصبانی بود. من و پدرم از سرکار آمده بودیم و می‌خواستیم برای شب یلدا به خانه مادربزرگم برویم که دیدیم مقتول سر کوچه با پدرش درگیر شده است. داشت پدرش را کتک می‌زد. مقتول حدودا ۳۰ساله و از من بزرگ‌تر بود و جثه‌ای قوی داشت. من و پدرم رفتیم جلو تا مانع شویم و به پدرش کمک کنیم. اما او اول به پدرم گیر داد و با او درگیر شد. داشت پدرم را می‌زد و من هرقدر سعی کردم از پدرم دفاع کنم فایده نداشت. او پدرم را روی زمین انداخته و گردنش را گرفته بود. من هم چون در دریا کار می‌کردم همیشه یک چاقو همراهم بود. اول سعی کردم با دسته چاقو چند ضربه به دستش بزنم تا پدرم را رها کند اما فایده نداشت. بعد با چاقو چند ضربه سطحی به دستش زدم که چون در حال حرکت بود یکی از ضربه‌ها به جناغش برخورد کرد. در نامه پزشکی قانونی هم نوشته شده ۱۲ضربه سطحی که یکی از آنها باعث مرگش شد.

بعد از درگیری چه کار کردی؟

بعد از درگیری حدود ۱۳روز فراری بودم و در اطراف بشاگرد مخفیانه زندگی می‌کردم. می‌خواستم خانواده‌اش آرام شوند تا با خیال راحت برگردم که دستگیر شدم.

وقتی با خانواده مقتول روبه‌رو شدی آنها چه واکنشی نشان دادند؟

در دادگاه آنها را دیدم. گفتند خواسته‌شان قصاص است و دادگاه هم من را به قصاص محکوم کرد. در این مدت خانواده‌ام تلاش کردند از اولیای دم که پدر و مادر مقتول هستند رضایت بگیرند اما تا به حال نتوانسته‌اند.

بعد از قطعی شدن حکم چه اتفاقی افتاد؟

یک مرتبه من را پای چوبه‌دار بردند که حکم را اجرا کنند اما پدر و مادرش به من ۲ماه مهلت دادند و حکم اجرا نشد. یک مرتبه دیگر اواخر مهرماه بود که قرار بود حکم اجرا شود. شب قبل مادرم در خانه‌شان رفته بود تا با مادرش حرف بزند. مادر مقتول گفته بود صبح برای اجرا می‌رویم اما خدا کریم است اما آن روز برای اجرای حکم نیامدند و حکم اجرا نشد.

قبل از اینکه به‌خاطر قتل دستگیر شوی آیا سابقه کیفری داشتی؟

حتی پایم به کلانتری نرسیده بود. ما خانواده‌ای ۶نفری هستیم. ۳خواهر دارم که یکی از آنها تازه متولد شده است و من فرزند بزرگ خانواده هستم. تا دیپلم درس خواندم. هم در دریا صیادی می‌کردم و هم می‌خواستم ادامه تحصیل بدهم که این حادثه اتفاق افتاد. به‌خاطر همین اشتباهی که کردم حالا ۳سال است که گرفتار شده‌ام و تکلیفم معلوم نیست. اما در حال تلاش هستیم تا رضایت بگیریم.

گفتی یک مرتبه پای چوبه‌دار رفتی. درباره تجربه آن شب بیشتر صحبت کن.

نمی‌دانم چطور باید آن شب را توضیح دهم. در قرنطینه همه عمرم را با خودم مرور کردم. بیشتر به خانواده‌ام و گذشته فکر می‌کردم اشتباهی که مرتکب شدم. از خدا کمک خواستم و وقتی من را برای اجرا بردند پدر و مادر مقتول ۲ماه مهلت دادند.

در ۳سالی که زندان هستی چه کار می‌کنی؟

در این مدت صنایع‌دستی یاد گرفته‌ام و کار می‌کنم. خانواده‌ام هم به ملاقاتم می‌آیند و دلداری‌ام می‌دهند تا امیدوار باشم و بتوانم این روزهای سخت را تحمل کنم. خدا کریم است. هرچه که خدا بخواهد همان می‌شود.

با خانواده مقتول چه حرفی داری؟

از کاری که انجام داده‌ام پشیمانم. من قصدی برای این کار نداشتم. الان ۳سال است که عذاب وجدان دارم. امیدوارم آنها هم به جوانی‌ام رحم کنند و من را ببخشند.

تقویم حوادث

اعدام حسین بلور و ۴همدستش

۳۶سال پیش در چنین روزی اعدام ۵قاچاقچی موادمخدر در ملأعام یکی از مهم‌ترین تیترهای صفحات حوادث روزنامه‌ها بود. روزنامه کیهان در ۲۴آبان ۶۶ در این باره نوشت: ۵قاچاقچی حرفه‌ای و بین‌المللی به حکم دادسرای انقلاب اسلامی مشهد و تأیید دادگاه عالی و تنفیذ شورای‌عالی قضایی، از مصادیق بارز مفسدفی‌الارض تشخیص داده شده و اعدام شدند.

به گزارش خبرنگار کیهان حکم صادره در مورد قاچاقچیان ساعت ۶بامداد ۲۴آبان ۶۶ در حضور صدها نفر از مردم مشهد که فریاد می‌زدند مرگ بر قاچاقچی، در محل پنج راه پایین خیابان مشهد که از اماکن توزیع و پخش موادمخدر و تردد افراد معتاد به شمار می‌رود به اجرا درآمد. اعدامیان از قاچاقچیان حرفه‌ای و عاملین توزیع موادمخدر بودند و اکثرا با باندهای بین‌المللی قاچاق موادمخدر در ارتباط بودند. یکی از آنها حسین معروف به حسین بلور اهل و ساکن مشهد بود. او در سال ۳۶یک‌بار به جرم خرید و فروش ۳۵کیلوگرم تریاک به حبس ابد محکوم شد، اما همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی از زندان گریخت و به همکاری با قاچاقچیان بین‌المللی مواد ادامه داد تا اینکه به جرم حمل ۲۰کیلوگرم هروئین دستگیر و این بار به اعدام محکوم شد. اعدامی دیگر محمد ۷۲ساله اهل و ساکن مشهد بود. وی دارای ۵فقره محکومیت کیفری از جمله خرید ۸کیسه تریاک و ۱۲کیلو هروئین و فروش و توزیع آنها بین تعداد دیگری از قاچاقچیان حرفه‌ای بود. امیر ۳۴ساله اهل و ساکن مشهد نیز دیگر اعدامی بود که فعالیت گسترده و مستمری در امر توزیع موادمخدر به‌طور مسلحانه داشت. او به اتهام وارد کردن حداقل ۱۱۰کیسه تریاک و ۳۰کیلوگرم هروئین و همراه داشتن ۳قبضه سلاح گرم به اعدام محکوم شده بود. عبدالمحمد ۳۵ساله اهل و ساکن افغانستان چهارمین اعدامی بود که به جرم فعالیت وسیع و گسترده در خرید و فروش موادمخدر به‌طور مسلحانه و به‌صورت باندی، شرکت در حمل و توزیع و وارد کردن ۱۱۰کیسه تریاک، ۵۰کیلو هروئین و شروع به توزیع آن و همچنین شرکت در وارد کردن سلاح و مهمات محکوم شد. رضا ۲۹ساله اهل زورآباد ساکن مشهد، پنجمین اعدامی بود که به جرم فعالیت چشمگیر در امر تهیه و توزیع موادمخدر، شرکت در وارد کردن چندین کیسه تریاک و فروش ۴کیلوگرم هروئین و همکاری مستمر با قاچاقچیان حرفه‌ای بین‌المللی به اعدام محکوم شده بود.

داخلی

گازگرفتگی، بلای جان خانواده جنوبی در شمال شد

۳عضو یک خانواده که از جنوب کشور به قائم‌شهر سفر کرده بودند در جریان حادثه‌ای تلخ به خاطر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند. به گزارش همشهری، این حادثه صبح روز دوشنبه در ویلایی در قائم‌شهر رخ داد و به‌دنبال آن مأموران پلیس از یک سو و امدادگران اورژانس از سوی دیگر خود را به محل حادثه رساندند. سرهنگ مهدی خادمی، فرمانده انتظامی قائم‌شهر در این‌باره گفت: در پی تماس تلفنی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، مبنی بر گازگرفتگی ۳نفر از اعضای یک خانواده در یک ویلای مسکونی در شهرستان قائم‌شهر، بلافاصله مأموران پاسگاه بالاتجن به همراه عوامل اورژانس به محل وقوع حادثه اعزام شدند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد پدر، مادر و دختر خردسالی که اهل جنوب کشور و مسافر بودند در این حادثه بر اثر استنشاق گاز مونوکسید کربن جان خود را از دست داده‌اند.

مرگ عجیب زن تنها در برج لوکس

پیدا شدن جسد زن ۷۰ساله در آپارتمانی در یکی از برج‌های لوکس غرب تهران، تیم جنایی را با معمایی پیچیده روبه‌رو کرده است. به گزارش همشهری، ۲۱ آبان امسال به قاضی موسی رضازاده، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که زنی ۷۰ساله در آپارتمانش به کام مرگ رفته است. جسد زن ۷۰ساله در سالن پذیرایی آپارتمانش افتاده بود و زمانی طولانی از مرگش می‌گذشت. فردی که با جسد مواجه شده بود، خواهرزاده متوفی بود. وی گفت: خاله‌ام سال‌ها بود که پس از مرگ شوهرش، به‌تنهایی زندگی می‌کرد. از ۲ سال پیش از او خبر نداشتیم و فکر می‌کردیم به شهرستان رفته تا اینکه تصمیم گرفتم به خانه‌اش سر بزنم اما وقتی وارد شدم با دیدن جسدش شوکه شدم.

در بررسی‌ها آثار زور و ورود به عنف به خانه دیده نمی‌شد. همچنین خانه مرتب بود و به‌هم‌ریختگی دیده نمی‌شد. پاکت شیری که در یخچال بود تاریخ ۲سال قبل رویش درج شده بود و با توجه به زمان زیادی که از مرگ زن تنها می‌گذشت، معلوم نبود چطور همسایه‌ها متوجه بوی تعفن نشده‌اند. در این شرایط جسد به پزشکی قانونی منتقل شده تا علت مرگ این زن مشخص شود.

مرگ دردناک دختر ۶ساله

حرکت دنده‌عقب خودروی سایپا در بزرگراه شهید لشگری حادثه هولناکی را رقم زد و باعث مرگ دردناک دختر ۶ساله شد.

به‌گزارش همشهری، حوالی ساعت ۲بامداد دیروز، زن جوانی، درحالی‌که دختر ۶ساله‌اش از تب می‌سوخت، او را سوار ماشین کرد تا راهی بیمارستان شود. زن جوان نگران بیماری دخترش بود و راننده پایش را روی گاز گذاشته و شروع به حرکت کرد اما زمانی که در بزرگراه شهیدلشگری در حال رانندگی بود، از خروجی‌ای که او را به بیمارستان می‌رساند عبور کرد و همین باعث شد توقف کند و دنده‌عقب شروع به حرکت کند تا به خروجی برسد. اما در همین هنگام بود که یک کامیونت ایسوزو که از پشت سر در حرکت بود به‌شدت با سایپا تصادف کرد و حادثه هولناکی را رقم زد.

به‌گفته سرهنگ رابعه جوانبخت، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران، این حادثه حدود ساعت ۲:۵۵بامداد دیروز رخ داد و به‌دلیل حرکت دنده عقب سواری سایپا و برخورد کامیونت با آن، دختربچه ۶ساله جانش را از دست داد. در این حادثه مادر دختربچه و راننده ایسوزو مصدوم شدند که با حضور نیروهای اورژانس به بیمارستان انتقال یافتند.

آگهی مزایده عمومی
ایران‌خودرو دیزل
شماره ۱۴۰۲/۳۰۸۶
شرکت ایران‌خودرو خراسان در نظر دارد مقدار **۹۰،۰۰۰ کیلوگرم تینر ضایعاتی برای مدت ۴ ماه** را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰٪ قیمت پیشنهادی می‌باشد.
متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید، دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۴ تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۳۰ به شرح ذیل اقدام نمایند :
۱ـ نحوه دریافت اسناد مزایده : بصورت حضوری از واحد بازرگانی ایران‌خودرو خراسان در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵ و یا از طریق سایت اینترنتی www.ikkco.ir و یا تماس با شماره‌های تلفن (۳۳۵۶۳۰۵۰-۰۵۱ و ۳۳۵۶۳۰۴۳-۰۵۱) و (۹-۳۳۵۶۳۵۰۱-۰۵۱ داخلی (۴۰۲۱))
۲ـ محل دریافت و تحویل اسناد مزایده : شرکت ایران خودرو خراسان، کیلومتر ۵۵ جاده مشهد ـ نیشابور دبیرخانه کمیسیون معاملات در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵
لازم به توضیح است تاریخ بازگشایی پاکات در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ ساعت ۹ صبح می باشد.
● **(شرکت ایران خودرو خراسان در رد یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است)**
● **(هزینه درج آگهی روزنامه و کارشناسی بر عهده برنده مزایده است)**
ارتباطات و امور بین الملل